TRANSCRIPT · EPISODE 229

Keep Your Cool: 4 Idioms About Control

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

90 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

It is the opening night of a small art exhibition, and nothing is going as planned.

شب افتتاحیه یک نمایشگاه کوچک هنری است و هیچ‌چیز طبق برنامه پیش نمی‌رود.

The photographs are late, one light has failed, and the first guests are arriving.

عکس‌ها دیر رسیده‌اند، یکی از چراغ‌ها خراب شده و نخستین مهمانان در حال رسیدن هستند.

How do you stay in control?

چطور کنترل اوضاع را حفظ می‌کنی؟

Hello, and welcome to Idioms.

سلام و به Idioms خوش آمدید.

I'm Martin.

من مارتین هستم.

And I'm Julia.

و من جولیا هستم.

Today is lesson 18, and the topic is control.

امروز درس ۱۸ است و موضوع آن کنترل است.

Before we start, one important thing.

پیش از شروع، یک نکته مهم.

Our website has a free course, and this episode is lesson 18.

وب‌سایت ما یک دوره رایگان دارد و این قسمت درس ۱۸ آن است.

The lesson includes examples and practice, and the direct link is in the description.

این درس شامل مثال و تمرین است و پیوند مستقیم در توضیحات قرار دارد.

In this lesson, we practise four idioms, and each one does a different job.

در این درس چهار اصطلاح را تمرین می‌کنیم و هرکدام کاربرد متفاوتی دارند.

And you can practise the same expressions before your next real conversation.

و می‌توانی همین عبارت‌ها را پیش از گفت‌وگوی واقعی بعدی‌ات تمرین کنی.

Now, let's hear what happens at the exhibition.

حالا بیایید بشنویم در نمایشگاه چه اتفاقی می‌افتد.

Martin, the photographs have not arrived, and the first guests are waiting!

مارتین، عکس‌ها نرسیده‌اند و اولین مهمان‌ها منتظرند!

Julia, take a breath.

جولیا، یک نفس عمیق بکش.

You have to keep your cool.

باید آرامشت را حفظ کنی.

I'm trying, but one light has failed, and the display table is in the wrong place.

دارم تلاش می‌کنم، اما یکی از چراغ‌ها خراب شده و میز نمایش در جای اشتباهی است.

If we don't act now, this will get out of hand.

اگر حالا کاری نکنیم، اوضاع از کنترل خارج می‌شود.

You're right.

حق با توست.

I feel like I am going to lose my grip on this whole opening.

احساس می‌کنم دارم کنترل کل افتتاحیه را از دست می‌دهم.

No, you won't.

نه، این اتفاق نمی‌افتد.

You made the plan, so you are in the driver's seat.

تو برنامه را چیدی، پس کنترل دست توست.

Okay.

باشه.

I'll call the driver, and you move the display table.

من به راننده زنگ می‌زنم و تو میز نمایش را جابه‌جا کن.

Perfect.

عالی است.

The driver says the van is stuck in traffic.

راننده می‌گوید خودرو در ترافیک گیر کرده است.

Then let's show the guests the artist's sketchbook while they wait.

پس تا مهمان‌ها منتظرند، دفتر طراحی هنرمند را به آن‌ها نشان بدهیم.

Good idea.

فکر خوبی است.

Thank you for staying calm.

ممنون که آرام ماندی.

Thank you for making the decisions.

ممنون که تصمیم‌ها را گرفتی.

The photographs arrived twenty minutes later, and the guests explored the exhibition.

عکس‌ها بیست دقیقه بعد رسیدند و مهمان‌ها از نمایشگاه بازدید کردند.

We kept our cool, and the artist was ready when the pictures arrived.

آرامشمان را حفظ کردیم و وقتی عکس‌ها رسیدند، هنرمند آماده بود.

That opening was stressful, but we used four idioms.

آن افتتاحیه پراسترس بود، اما ما از چهار اصطلاح استفاده کردیم.

Let's look at them one by one.

بیایید آن‌ها را یکی‌یکی بررسی کنیم.

First, keep your cool.

اول، keep your cool، یعنی آرامش خود را حفظ کردن.

It means to stay calm in a difficult situation.

یعنی در موقعیتی دشوار آرامش خود را حفظ کنیم.

We change the word your: "I kept my cool," or "She kept her cool."

واژه your را متناسب با شخص تغییر می‌دهیم: «آرامشم را حفظ کردم» یا «او آرامشش را حفظ کرد».

For example, "Even when the customer shouted, the waiter kept his cool."

برای مثال: «حتی وقتی مشتری فریاد زد، پیشخدمت آرامشش را حفظ کرد».

The opposite is lose your cool, when you become angry or upset.

عبارت مخالف lose your cool است، یعنی وقتی عصبانی یا ناراحت می‌شوی.

People also say it as advice to someone who is stressed.

این عبارت را به‌عنوان توصیه به کسی که استرس دارد هم می‌گویند.

Second, lose your grip.

دوم، lose your grip، یعنی کنترل را از دست دادن.

It means to lose control of a situation, or to stop managing it well.

یعنی کنترل یک موقعیت را از دست بدهی یا دیگر نتوانی آن را خوب مدیریت کنی.

We often say lose your grip on something, for example, "He is losing his grip on the project."

اغلب می‌گوییم lose your grip on something، برای مثال: «او دارد کنترل پروژه را از دست می‌دهد».

It often suggests a longer problem, not only one bad moment.

این عبارت اغلب به مشکلی طولانی‌تر اشاره می‌کند، نه فقط یک لحظه بد.

Third, in the driver's seat.

سوم، in the driver’s seat، یعنی کنترل و اختیار را در دست داشتن.

This means you are the person in control, the one who makes the decisions.

یعنی تو کسی هستی که کنترل دارد و تصمیم می‌گیرد.

We say, "I'm in the driver's seat," or "She put me in the driver's seat."

می‌گوییم «کنترل دست من است» یا «او مرا مسئول کرد».

For example, "In this project, the client is in the driver's seat, so we follow her decisions."

برای مثال: «در این پروژه کنترل دست مشتری است، پس ما از تصمیم‌های او پیروی می‌کنیم».

It can describe a good position, because you decide.

می‌تواند موقعیت خوبی را توصیف کند، چون تو تصمیم می‌گیری.

Fourth, get out of hand.

چهارم، get out of hand، یعنی از کنترل خارج شدن.

It means a situation becomes too difficult to control.

یعنی یک موقعیت آن‌قدر دشوار می‌شود که کنترل آن سخت است.

Here, the subject is usually the situation: the party, the argument, or the problem.

اینجا معمولا موقعیت فاعل جمله است: مهمانی، بحث یا مشکل.

For example, "If the children get too excited, the game can get out of hand."

برای مثال: «اگر بچه‌ها بیش از حد هیجان‌زده شوند، بازی ممکن است از کنترل خارج شود».

It usually describes a problem that is becoming difficult to manage.

معمولا مشکلی را توصیف می‌کند که مدیریت آن دشوارتر می‌شود.

You can use it as a warning before the situation gets worse.

می‌توانی پیش از بدتر شدن اوضاع از آن به‌عنوان هشدار استفاده کنی.

So, remember the difference.

پس تفاوت را به خاطر بسپار.

With keep your cool and lose your grip, a person is the subject.

در keep your cool و lose your grip، فاعل یک شخص است.

With get out of hand, the situation is the subject.

در get out of hand، فاعل خود موقعیت است.

And in the driver's seat describes who is in control.

و in the driver’s seat توصیف می‌کند چه کسی کنترل را در دست دارد.

Now let's try a recovery challenge.

حالا بیایید یک چالش برای بازپس گرفتن کنترل انجام دهیم.

Imagine four more situations where control matters.

چهار موقعیت دیگر را تصور کن که در آن‌ها کنترل اهمیت دارد.

Each one needs a different expression.

هرکدام به عبارت متفاوتی نیاز دارند.

Listen, and choose the best idiom.

گوش بده و مناسب‌ترین اصطلاح را انتخاب کن.

Number one: "The children are shouting, but the teacher is calm.

شماره یک: «بچه‌ها فریاد می‌زنند، اما معلم آرام است.

She is trying to ..."

او سعی می‌کند ...»

Keep her cool.

آرامشش را حفظ کند.

The teacher stays calm in a difficult moment.

معلم در لحظه‌ای دشوار آرام می‌ماند.

Number two: "Nobody knew who was in charge.

شماره دو: «هیچ‌کس نمی‌دانست چه کسی مسئول است.

Then Anna said, 'I'll decide, so now I'm ...'"

بعد آنا گفت: «من تصمیم می‌گیرم، پس حالا ...»»

In the driver's seat.

در جایگاه کنترل.

Anna is now the person in control.

حالا آنا کسی است که کنترل را در دست دارد.

Number three: "The small argument became a big fight.

شماره سه: «بحث کوچک به یک دعوای بزرگ تبدیل شد.

It really ..."

واقعا ...»

Got out of hand.

از کنترل خارج شد.

The situation became too difficult to control.

کنترل موقعیت بیش از حد دشوار شد.

Number four: "He has too many tasks, and he doesn't know where to start.

شماره چهار: «او کارهای زیادی دارد و نمی‌داند از کجا شروع کند.

He is starting to ..."

او دارد شروع می‌کند به ...»

Lose his grip.

از دست دادن کنترل.

He is starting to lose control of his work.

او دارد کنترل کارش را از دست می‌دهد.

Great work.

آفرین.

Four situations, four useful choices.

چهار موقعیت، چهار انتخاب کاربردی.

Here is the difference to take away.

این تفاوتی است که باید به خاطر بسپاری.

Keep your cool means stay calm.

Keep your cool یعنی آرامش خود را حفظ کردن.

Lose your grip means lose control.

Lose your grip یعنی کنترل را از دست دادن.

In the driver's seat means you decide.

In the driver’s seat یعنی تو تصمیم می‌گیری.

Get out of hand means it is too difficult to control.

Get out of hand یعنی کنترل چیزی بیش از حد دشوار می‌شود.

Remember, lesson 18 of our free course is on yourenglishtoolbox.com.

یادت باشد درس ۱۸ دوره رایگان ما در yourenglishtoolbox.com قرار دارد.

It has more examples and more practice, and the direct link is in the description.

این درس مثال‌ها و تمرین‌های بیشتری دارد و پیوند مستقیم در توضیحات است.

Thanks for listening.

ممنون که گوش دادید.

See you next time.

تا دفعه بعد.